

## هوشیاری بیشتر در مورد مسایل جنبش کارگری

علیرضا تقفی

سه شنبه نوزدهم آذر ۱۳۸۷

با سلام. در مقاله ی آقای محمد حسین درمورد " پیرامون اختلافات کمیته هماهنگی و... " با استناد به مقاله ی زیر مطالبی نقل شده است که واقعیت ندارد.

اصل مقاله برای شما ارسال می شود تا با انتشار در سایت، به روشن شدن اذهان خوانندگان کمک شود.

## هوشیاری بیشتر در مورد مسایل جنبش کارگری

علیرضا تقفی

بهمن ۸۵

در چند ماهه اخیر برخی نوشته ها در باره آسیب شناسی جنبش کارگری و خطر انحراف در آن نوشته شده است. هر چند نگرانی از به فساد کشیده شدن هر جریان اجتماعی همواره وجود دارد و نمی توان از آن غافل شد، اما آن چه که در برخی از این نوشته ها به چشم می خورد، چیزی بیش از نگرانی افراد دلسوزی است که واقعا دلشان برای کارگران ایران و جنبش کارگری می تپد. نگرانی ها و دشمن موهوم درست کردن برای جنبشی که پس از سه دهه تازه در حال پا گرفتن است، بیشتر از ناآشنایی کسانی است که از دور دستی برآتش دارند. در این ابراز نگرانی ها گاه جنبش کارگری ایران همسنگ جنبش لهستان جلوه داده می شود و گاه آن چنان از نفوذ سولیداریته امریکا و خطر فساد در جنبش کارگری صحبت می کنند که گویا در این جنبش عده ای ناآگاه از شرایط جهانی و منطقه ای فریب مثنی دلار و عده های توخالی را می خورند و در این جهت آن چنان افراط می کنند که روی نیروهای امنیتی را سفید می کنند.

به عنوان فردی که در داخل ایران از نزدیک با احوال جنبش کارگری ایران آشنا هستم، باید بگویم هر چند جنبش کارگری در این چند سال رشد کرده است اما این جنبش و فعالان آن در داخل محصول تنها این چند ساله نیستند و در تمام این سه دهه با تمام وجود به مبارزات خود ادامه داده و هر آن چه امروز شاهد آن هستیم، را با سختی بسیار زیاد بدست آورده اند. سختی ای که شاید برای دوستان دور، حتی قابل تصور هم نباشد. آن ها هم امریکا و سولیداریته را می شناسند و آن قدر شناخت دارند که کمک های جهت دار و افکار مختلف را تشخیص دهند و هم روش مبارزه ی مستقلانه را فرا گرفته اند. و نشان داده اند که درافت و خیزها و فشارهای چند ده ساله می توانند که روی پای خود بایستند و راه بروند.

این افراد از این فرض غلط حرکت می کنند که: "جنبش کارگری به حمایت های مالی نیاز دارد" و به دنبال آن نفوذ منابع مالی امریکایی و در نتیجه افکار امپریالیستی را در جنبش فرض مسلم می گیرند. در این مساله بحثی نیست که هر حرکتی نیاز مالی دارد و کمک های مالی می تواند تاثیر گذار باشد. اما کمک مالی تعیین کننده نیست. کارگران و فعالان کارگری از کار اخراج می شوند، ماه ها بدون حقوق می مانند، اما دست نیاز به سوی کسی دراز نمی کنند. با

دست فروشی، مسافركشی، انجام کارهای ساختمانی و موقت و... زندگی خود و خانواده شان را می گذرانند و به دنبال گرفتن حق و حقوق خود هستند. در سرما و گرما تحصن می کنند. به سختی بسیار خود را به تهران می رسانند. در خیابان می خوابند. کتک می خورند. به زندان می روند. اما حق خودشان را از کارفرما و مسولان می خواهند و می گیرند. نمونه های آن را در این چند ساله بسیار دیده ایم. آخرینش هفته گذشته کارگران یخچال سازی بوژان بودند. عزت نفس کارگران و فعالان جنبش کارگری آن قدر زیاد است که هرگز دست نیاز به سوی کسی دراز نکرده اند و از هر کسی به راحتی کمک مالی دریافت نمی کنند.

شکی نیست که کسانی چه در داخل و چه در خارج، با اصرار و افتخار کمک هایی را به صورت داوطلبانه و یا وام در اختیار افراد گرفتار قرار می دهند. اما این که تا به امروز جنبش کارگری ایران حتی یک ریال از منابع ناشناخته دریافت کرده باشد، قطعاً نیاز به دلیل و مدرک دارد. در غیر این صورت طرح چنین مسایلی تنها بدنام کردن و آب به آسیاب دشمن ریختن است. دشمنی که منتظر است با کوچکترین بهانه ای با انگ و ابسته بودن و کمک مالی گرفتن و... هر حرکت کارگری را سرکوب کند. امیدوارم به آن جا نرسیم که این دعای معروف را بخوانیم که: "خداوندا ما را از شر دوستان حفظ کن، جواب دشمنان را خودمان خواهیم داد." هوشیاری و دوستی در آن است که اگر منبع ناشناخته ای وارد معرکه می شود، به سرعت آن را به شکل درست و منطقی و علمی افشا و اطلاع رسانی کرد. اما طرح چنین مسایلی بی دلیل و مدرک و بدون هیچ سابقه ای و تنها با حدس و گمان و اطمینان از این که نو لیبرالیسم از این شیوه ها می خواهد استفاده کند، تنها جنبش کارگری را در معرض آسیب قرار می دهد. چرا که جو بی اعتمادی و بدبینی را گسترش می دهد که خود یکی از آسیب های جدی در جهت تشکل یابی کارگران است. از سوی دیگر این دوستان نباید فراموش کنند که دست اندرکاران و فعالان کارگری در داخل بسیار بیشتر در این زمینه حساسیت دارند. نگاهی به رشد جنبش کارگری ایران بیانگر این مساله است که این جنبش توانسته است با سرعت خود را پالایش دهد، فرصت طلبان و موقعیت پرستان را از میان خود طرد کند. سرعت حرکت و فشارها به اندازه ای است که هر کسی تاب مقاومت در آن را ندارد.

آن چه مسلم است مهم تر از همه شناخت آن خط فکری است که می تواند زمینه نفوذ سولیداریته ها باشد. همه ی دوستان جنبش کارگری ایران باید تلاش کنند تا چنین زمینه تفکری را بیشتر شناخته و در باره آن و صدمه هایی تحقیق کنند که از جانب این طرز تفکر به جنبش وارد آمده و خواهد آمد، بی شک زمینه نفوذ چنین طرز تفکری در جنبش کارگری از میان خواهد رفت و خود بخود جنبش کارگری ایران در برابر این شیوه های نو لیبرالیسم برای به انحراف کشاندن آن، واکسینه خواهد شد.

این زمینه فکری، نو لیبرالیسم را تبلیغ می کند و سرمایه داری اروپا و نظرات لرد گیدنز را سرلوحه عمل خود قرار می دهد و یا امپریالیسم را فقط در یک صورت امریکایی و آن هم از نوع نئوکان ها می بیند. این زمینه فکری است که زمینه نفوذ برای سولیداریته امریکایی و یانهادهای دیگری مانند خانه آزادی و... خواهد بود. ( زیرا همان گونه که دوستان می دانند نهادهایی مانند سولیداریته تحت نفوذ دموکرات های امریکاست.) البته باید گفت که گرایش دموکراسی امریکایی و طرفداران آن هر چند ممکن است وجود داشته باشد و این امری منحصر به کشورما نیست. ، اما چنین گرایشاتی در جنبش کارگری ایران بسیار ضعیف است. فعالان کارگری در داخل گرایشات مختلف را می شناسند و

قطعا نهادهایی مانند سولیداریته و غیره هیچ گاه سراغ فعالان آگاه و دارای نظرات مشخص نمی روند. بلکه سراغ دلال هایی را می گیرند که آن ها را می شناسند و زمینه های نفوذ را در آنان به روشنی می بینند. و جالب است که این افراد به دلیل خصوصیات خاصشان این کمک ها را به جنبش کارگری نمی رسانند. بلکه صرف هزینه های شخصی و دلالی و ... می کنند. این افراد نمی توانند اعتماد کارگران و فعالان کارگری را جلب کنند و در کوتاه ترین مدت افشا می شوند. کاری که فعالان داخلی بیشتر روی آن تاکید دارند، افشا چنین شیوه تفکری است و دوستان کم و بیش شاهد فعالیت های فرهنگی فعالان داخلی در این جهت هستند. به نظر می رسد که فعالان خارج از کشور و حامیان جنبش کارگری به اصل برخورد نظری با نئولیبرالیسم کمتر بها می دهند. فعالان داخلی از مدت ها قبل متوجه نفوذ چنین زمینه ی فکری شده و لزوم مقابله با آن را درک کرده اند. و به همین جهت دامن زدن به بحث های نظری در جهت نه فقط اطلاع رسانی، که آگاهی بخشی را در اولویت قرار داده اند. این آگاهی است که جلوی نفوذ اندیشه های غیرکارگری و وابسته را به جنبش می گیرد.

چنین شیوه هایی برای نفوذ در آن جی او ها، جنبش دانش جویی و زنان و... نیز صورت گرفته و می گیرد و تمام فعالان داخلی تلاش خود را در جهت افشای همه ی آنها به کار برده اند و قطعا باز هم ادامه خواهند داد. و این همه در صورتی است که جلوی گسترش تخریب و بدبینی و بی اعتمادی گرفته شود. بدبینی و بی اعتمادی سبب تخریب جنبش ها از درون می شود و سبب می شود که از دشمن اصلی و خطر قریب الوقوع غافل شویم. دوستان خطر را نمی بینید؟ آیا نمی توانیم دست به دست هم داده و در جلوگیری از جنگی قدم برداریم که کارگران و مردم ایران را تهدید می کند؟ و در جریان همین مبارزات شیوه های نئولیبرالیستی و نفوذ در جنبش کارگری را افشا کنیم؟ امیدوارم دوستان به این مسائل بیشتر توجه کرده و از کارهای اضافی که بی جهت ما را از مسیر اصلی منحرف می کند و نیروی ما را پراکنده می کند پرهیز کنند.

علیرضا ثقفی

به نقل از:

[www.Alirezasaghafi.blogfa.com](http://www.Alirezasaghafi.blogfa.com)